

دیدار از کتابخانه‌های ایتالیا^۱

سید محمدباقر حجتی

هریک از موضوعات در این فهرست جامع - که مربوط به یکی از علوم است - دارای مقدمه‌ای است در تاریخ پیدایش و تطور آن علوم. پس از آن کتابها به ترتیب حروف هجاء و در ذیل آنها، مؤلف آنها با استناد به مصادر معتبر و متعدد معرفی شده، و در ذیل هر یک از کتابها تقریباً همه نسخه‌های آن - که در کتابخانه‌های مختلف جمهوری اسلامی ایران وجود دارد - با ارائه شماره راهنمای نسخه‌ها برحسب ترتیب تاریخ تحریر آنها همراه مشخصات دیگر معرفی می‌گردد. این اثر که بخشهایی از آن رو به اتمام است از مطمئن‌ترین مرجع اسلام‌شناسی - و بویژه اسلام‌شناسی از رهگذر منابع دست اول شیعی - به شمار می‌رود. علاوه بر این، محققانی که می‌خواهند کتابی را با تصحیح و مقابله از روی معتبرترین و کهن‌ترین نسخه به چاپ رسانند، این اثر مهمترین مرجعی است که از رهگذر آن می‌توانند بدون اتلاف وقت و فرصت (در ظرف سی ثانیه تا یک دقیقه) به نسخه مورد نظر خود دست یافته و آن را در کتابخانه مربوط سراغ گیرند؛ در حالی که در شرایط فعلی باید چند و یا چندین روز و حتی احياناً یک یا چند ماه اوقات خود را برای دست یافتن به چنین هدفی مصروف دارند.

علاوه بر این مزایا و مزایای دیگر، می‌توان یادآور شد که

۱. نگارش این گزارش در سال ۱۳۶۸ صورت پذیرفت و اکنون حدود هفت سال از تدوین آن می‌گذرد.

اینجانب از سال ۱۳۴۷ به منظور تدوین فهرست موضوعی نسخه‌های خطی عربی کتابخانه‌های جمهوری اسلامی ایران با تهیه فیش و برگه‌های لازم، کار خود را آغاز کردم و این کار تقریباً بدون وقفه تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. سرانجام توانستم حدود دهها هزار فیش نسخه‌های خطی عربی موجود در کتابخانه‌های کشورمان را تهیه کنم. پس از انقلاب اسلامی ایران به علت تراکم اشتغالات مربوط به تدریس و تألیف کتب تعلیم و تربیت اسلامی و علوم قرآنی، وقفه‌ای در این کار روی داد، و این فیشها به دست فراموشی سپرده شد.

سرانجام جناب آقای محمد حسین علیمحمدی، سرپرست محترم سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، بر وجود این طرح و فیشهای مربوط به آن اطلاع یافتند و ایشان از این بنده دعوت کردند تا به تکمیل این تحقیق در سازمان مذکور پردازم و با محیط مساعدی که برای تکمیل این فیشها و تدوین آنها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط ایشان فراهم آمد، تا سال ۱۳۶۷ با نظارت اینجانب و اهتمام و عنایت خاص و محبتهای بی‌دریغ ایشان، و همچنین جناب آقای ناصری طاهری، معاون محترم سازمان مذکور، که این مهم را با تلاش پی گیر خود دنبال می‌کردند، تهیه فیشها به پایان رسید. از سال ۱۳۶۸ به تنظیم و تدوین بخش مربوط به قرآات و تفسیر آغاز کردم که به فضل الهی یکی از مجلدات آن که مربوط به قرآات و تجوید است، تحت عنوان «کشاف الفهارس» به چاپ رسید.

باری، به خاطر تدوین این اثر - که ان شاء الله در آینده دامنه آن گسترده تر شده و به فضل الهی توسط افاضل، تمام نسخه های عربی سراسر جهان را زیر پوشش خواهد گرفت - احیاناً مأموریت هایی برای بازدید نسخه های خطی کشورهای مختلف و تهیه فهرست های آنها برای اینجانب منظور می گردد که تاکنون دو سفر را در پیش گرفتیم: یکی به سوریه که گزارش آن را قبلاً نگاهشتم و ان شاء الله به طبع خواهد رسید، و دیگری به ایتالیا که به خاطر عدم امکانات مناسب تحقیق، از انجام آن مدتها خودداری می ورزیدم تا سرانجام در سایه فعالیتها و تلاشهای سنجیده جناب آقای علی محمدی و همچنین عنایت و اهتمام برادر بسیار عزیزمان جناب آقای ناصری طاهری، معاون محترم سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، که از نزدیک و عیان می دیدم که این عزیزان بسیار بی ریا و نستوهانه در این مرکز می کوشیدند و مساعی خود را در ادای وظایف خویش به تمام معنی در این مرکز به کار می گیرند، آنچنان اینجانب را مجذوب خود ساختند که مآلاً بخش قابل توجهی از فرصت ایام هفته را برای تدوین این اثر در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می گذراندم. لذا عمده اهمیت مربوط به تألیف و نگارش را در اختیار این کار قرار داده ام. آری با تماسهایی که این دو برادر بزرگوار با ریزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا برقرار ساختند و توصیه های لازم را به وابسته فرهنگی ایران در ایتالیا گوش زد نمودند و راه را برای تحقیقات مربوط به مخطوطات کشور ایتالیا را هموار ساختند، آمادگی خود را اعلام داشته و این سفر علمی و تحقیقاتی را در پیش گرفتیم، سفری پربار و بسیار سودمند که در آتیه کار تدوین فهرست نقش جالبی را ایفا خواهد کرد.

به منظور اجرای مأموریت سفر به ایتالیا - که به بازدید و بررسی نسخه های خطی کتابخانه های این کشور و تهیه فهرست کمیاب آنها محدود بود - روز پنجشنبه ۲۹ تیر ماه ۱۳۶۸ در معیت برادر محقق و دانشمند آقای عبدالله ناصری طاهری سفر به رم را در پیش گرفتیم. قبل از ورود ما به فرودگاه رم، آقای صبری انوشه، وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم، ساعتی را در سالن فرودگاه به انتظار ورود ما پشت سر نهاده بودند که ایشان را در همانجا دیدار کردیم و به سوی ریزنی فرهنگی رفتیم. نامبرده با مذاکراتی که قبلاً از سوی سازمان مدارک فرهنگی توسط جناب آقای علی محمدی و جناب آقای ناصری طاهری - ایده ما اله تعالی لما یحببه و یرضاه - صورت گرفت، کاملاً در جریان امر قرار داشتند و در طول مدتی که در ایتالیا بسر می بردم، شبانه روز، حتی در ساعات غیر اداری، کوشش خود

کار فهرست نویسان در این اثر تصحیح و ویرایش می شود و بسیاری از نسخه های نفیسی که نتوانستند آنها را شناسایی کنند - و یا توأم با اشتباهات غیر قابل جبران آنها را معرفی کردند - در این اثر با نام صحیح کتاب و مؤلف آن معرفی خواهد شد، و این کمبودها و لغزشها در آن ترمیم و تصحیح خواهد گردید، و مآلاً محققان بزرگ گم گشته های خود را در لابلای این اثر پیدا می کنند.

این اثر با «فهرست عام موضوعی نسخه های خطی عربی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران» در پایان هر بخش دارای راهنماهای متعددی است که به وضع جالبی راه وصول و دستیابی محققان به کتب و نسخه های مورد نظر را هموار ساخته و با سیستمی ابتکاری، که در تدوین و تنظیم آن به کار رفته، اهداف محققان را بسرعت تحقق می بخشد. از زمانی که به تهیه مقدمات و تدوین این اثر آغاز کردم، بدون اغراق متجاوز از ده سال فرصتهای مداوم خود را در اختیار آن قرار دادم، و هم اکنون نیز بیشتر اوقات فراغ اینجانب در طول هر هفته در تحقیقات مربوط به این اثر و تدوین آن صرف می شود.

از آنجا که پاره ای از نسخه ها در ایران یا منحصر به فرد و یا محدود به دو یا سه نسخه است و احیاناً کار تصحیح و مقابله به چند نسخه و یا نسخه های کهنتری نیازمند است، غالباً نسخه های خطی کتابخانه ظاهره دمشق نیز در این اثر معرفی شده است. چرا که تهیه عکس نسخه ها از این کتابخانه برای محققان جمهوری اسلامی ایران آسانتر از تهیه آنها از کتابخانه های کشورهای دیگر می باشد. بسط مقال در معرفی این اثر را به کتاب چاپ شده مجلد اوک آن حوالت می دهیم. مجلد اول این اثر که نام گسترده آن به فارسی فهرست موضوعی نسخه های کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران و نام عربی آن کشف الفهارس و وصاف المخطوطات العربیة فی مکتبات فارس می باشد و در آن کتب و نسخه های خطی مربوط به قرائت و تجوید معرفی شده، در سال ۱۳۷۰ ش به چاپ رسید و در همان سال در جشنواره خوارزمی حائز رتبه اول طرح های علوم انسانی شد و به دریافت جایزه مربوط به آن نایل گشت. و نیز در سال ۱۳۷۱ جایزه کتاب سال را دریافت کرد و در سال ۱۳۷۳ دارای اعتبار در دهه توسعه جهانی فرهنگ شناخته شد.

می‌بردند. همین منظره مدتی مرا در تحیر فروبرد، و به این نتیجه رسیدم که پیشرفتهای این گونه مردم شیفته مطالعه و تحقیق، در حقیقت بازتابی است از اهتمام و عنایت آنها به علم و مطالعه و تحقیق. اما مسلمین را سزاست بیش از آنها به مطالعه و تحقیق روی آوریم؛ چرا که در فرهنگ ما هیچ چیز را از نظر ارج و مقدار یارای برابری با علم و فرهنگ ندارد.

باری پس از ورود به کتابخانه و ارائه معرفی نامه‌ی ایزنی جمهوری اسلامی ایران و مذاکره با مسؤولان کتابخانه به وسیله مترجم، یعنی جناب آقای دکتر صدیق زاده - ایده الله تعالی - ما را به علت اینکه این مسؤولان هدفمان را درست باز نیافته بودند، به قفسه‌ای که انباشته از زونکن‌های سرشار از فهرست نسخه‌های چاپی عربی بود رهنمون شدند؛ ولی یادآور شدیم که هدف ما کاتالوگ و فهرست نسخه‌های خطی عربی و ترکی و فارسی این کتابخانه است که تحت عنوان فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ویتوریو امانوئل تدوین شده است.

سرانجام پس از مدتی تلاش، این فهرست را برای ما یافتند. بعد از مطالعه فهرست یاد شده خواستیم نسخه‌های خطی را از نزدیک و در کنار مخزن آنها بررسی کنیم که پاسخ دادند این کار عملی نیست. نسخه‌ای از فهرست مزبور را از مسؤول مربوط درخواست کردیم، گفتند: نسخه مکرر برای این فهرست نداریم؛ لذا وجهی پرداخته شد و در برابر، نسخه عکسی این فهرست را در اختیار ما قرار دادند. در نتیجه به علت عدم دسترسی به مخطوطات این کتابخانه، به دریافت فهرست آنها و انتخاب نسخه‌هایی نسبتاً نفیس از میان آنها برای تهیه میکروفیلم بسنده کرده و ناگزیر آنجا را ترک کردیم؛ لکن حتی تا حدودی مطابق دلخواه خود نتوانستیم از این کتابخانه طرفی ببندیم. بنا بر این بود که استاد ترایینی در این کتابخانه به منظور فراهم آوردن تسهیلات در جهت بازدید نسخه‌های خطی حضور به هم رساند؛ ولی نامبرده مسافرتی به انگلستان داشت و پس از بازگشت به ایتالیا بیمار شد و نتوانست به جمع ما بپیوندد.

را در تماس با کتابخانه‌هایی که نسخه‌های خطی در آنها وجود داشت، به طور خستگی‌ناپذیر به کار می‌کرفتند. قبل از مسافرت به ایتالیا چند هفته با مراجعه به مصادر و منابع مربوط، تقریباً تمام کتابخانه‌های کشور ایتالیا را که در آنها نسخه خطی وجود داشت و متجاوز از بیست کتابخانه بود، و نیز شماری از نسخه‌های نفیس این کتابخانه‌ها را - برای تهیه عکس از آنها - سراغ گرفته بودم؛ و لذا در این مسافرت قبلاً آگاهیهای لازم را کسب کرده بودم.

آقای انوشه - سلمه الله تعالی - برای هر کتابخانه‌ای که ما سراغ کرده بودیم معرفی نامه نوشته و با مسؤولان این کتابخانه‌ها علاوه بر سفارش کتبی، تلفنی تماس برقرار می‌ساختند تا تسهیلات لازم را برای ما فراهم آورند. ایشان حتی در مورد برخی از کتابخانه‌های خارج رم، یعنی شهرستانهای ایتالیا، به منظور کمک به تسریع در تحقیقات ما، با ما در سفر نیز همراهی کرده و نیازهای مربوط به سفر را نیز تأمین می‌کردند، و مآلاً فرصتهای ما صرفاً در جهت اهداف علمی و تحقیقاتی ما مصروف می‌گشت و لذا این فرصتهای کوتاه ما چه در رم و شهرهای دیگر ایتالیا به هیچوجه هدر نرفت و مشکلاتی برای ما از لحاظ حوایج غیر علمی نیز وجود نداشت. به خصوص همراهی با محقق گرامی و کوشا جناب آقای عبدالله ناصری طاهری بسیار مغتنم و پربار بوده و همواره از رهگذر مذاکرات و ارشادات ایشان توفیقاتی دوچندان نصیبمان گشت.

باری، چند کتابخانه را در طول مدت قریب به پانزده روز در کشور ایتالیا مورد بازدید قرار دادیم که از این پس گزارش آنها را ملاحظه می‌کنید:

۱- کتابخانه ویتوریو امانوئل Vittorio Emanuele

دوشنبه، دوم مرداد ۱۳۶۸

بر این کتابخانه - که هم اکنون به کتابخانه ملی رم معروف است و دارای ساختمانی بسیار بزرگ و شکوهمند و جدید البنا می‌باشد - قبل از ساعت افتتاح روزانه اش در آمدیم و دیدیم که جمعیت مشتاق مطالعه و تحقیق، در بیرون ساختمان در انتظار آن موج می‌زند. جمعیتی متشکل از زن و مرد و پیر و جوان و میانسال که زیر تابش سوزان و آزارنده آفتاب منتظر باز شدن کتابخانه، آن هم در ایام تعطیلات تابستانی کشور ایتالیا، بسر

۲- آکادمی ملی لینیچی در رم Accademia Nazionale de Lincei

دوشنبه، دوم مرداد ۱۳۶۸

پس از بازدید کتابخانه ملی رم بلافاصله عازم مؤسسه تحقیقاتی لینیچی شده و با اطلاعاتی که قبلاً در ایران به مدد مطالعه منابع مربوط کسب کردم، آگاهانه ساعت ده بامداد بر آن وارد شدیم، و با قرار قبلی جناب آقای انوشه معرفی نامه ایشان با استقبال گرم مسؤولان کتابخانه مواجه گشتیم. به نظر می‌رسید

علاوه بر این سه مجلد کتاب، دو مجلد دیگر را که به تشکیلات این مؤسسه و تاریخ آن مربوط است به ما اهدا کردند که به علت عدم آشنایی به زبان ایتالیایی نمی توان درباره آن خلاصه گزارشی ارائه کنم.

نکته های مهمی که در این مؤسسه هر بازدیدکننده علاقه مند به کتاب و مطالعه را به خود مشغول می کرد فراوان است که ما به ذکر چند نکته بسنده می کنیم:

● این مؤسسه اگرچه دارای بنای قدیمی است، ولی گویا از همان زمان توأم با محاسبات دقیق تأسیس شده و بسیار شکوهمند است، قفسه های کتاب که قدیمی بود بسیار مناسب به نظر می رسید. اگرچه نتوانستیم تمام جوانب و مخازن کتب این مؤسسه عظیم را به علت فرصت کمی که در اختیار داشتیم مورد بازدید قرار دهیم؛ لکن با نگاه سطحی و عابثانه که بر اینجا و آنجای کتابخانه این مؤسسه داشتیم از فراهم آمدن کتب مرجع و دوره ای و تشکیلات عظیم - که ارزش آن را بازگو می کرد - به شگفت درآمدیم.

● برای اینجانب بس عجیب می نمود که می دیدم علاوه بر قفسه های نسخه های خطی جهان تقریباً همه قفسه های نسخه های خطی کتابخانه های جمهوری اسلامی ایران بلا استثنا حضور خود را در کتابخانه این مؤسسه به ما اعلام می دارد، که در میان آنها چند مجلد فهرست نسخه های خطی تألیف نگارنده نیز جلب نظر می نمود. ظاهراً کمتر کتابی به زبان فارسی یا عربی - که بتوان آنها را به عنوان مرجع برشمرد - سراغ داریم که در کتابخانه این مؤسسه وجود نداشته باشد.

● طی دوبار دیداری که از این مؤسسه و نسخه های خطی آن داشتیم و نسبتاً به طول انجامید تلاش و فعالیت مسؤلی که بر کار ما گماشته شده بود بسیار جالب می نمود؛ زیرا او هر کتابی - که با مطالعه فهرست آنها - را سراغ می گرفتیم، بدون هیچگونه دریغی برای ما می آورد، و با اینکه این کار مدتی به طول انجامید ما هیچگونه فسرده و دلسردی و اظهار خستگی از وی ندیدیم. و حتی ناگزیر بود برای آوردن شماری از کتابها بر نردبان بلندی چند بار بالا و پایین رود. با برخوردی جالب عملاً به ما اعلام می کرد که ما می توانیم از او بخواهیم همه نسخه های خطی این بخش از کتابخانه را با همت خود او از قفسه ها بیرون کشیده و مورد مطالعه قرار دهیم؛ لحظاتی در انتظار بررسی ما می ایستاد تا پس از مطالعه شماری از نسخه ها، شماری دیگر از نسخه های خطی را برای ما بیاورد. شماره راهنمای تعدادی از نسخه های نفیس را یادداشت کردیم

این قرار و مذاکره و معرفی آقای انوشه، که بسیار حساب شده و سنجیده انجام گرفت، موجب گشت پس از سه بار مراجعه به آن، با دستی پر از آنجا بازگردیم. می دانستیم این آکادمی از نظر نسخه های خطی نسبتاً غنی است؛ لذا ناگزیر بودیم برای کسب اطلاعات لازم درباره نسخه های خطی این مؤسسه سه بار به آنجا مراجعه کنیم.

بار اول، که در همان روز دوشنبه دوم مرداد این مراجعه و بازدید انجام گرفت، یکی از مسؤلان کتابخانه که از زنی سالمند، لکن فعال و کوشا به نظر می رسید، در تمام مراحل کار بدون ایجاد کمترین وقفه و دریغ با ما همراهی کرد و دو مجلد از فهرست نسخه های خطی این مؤسسه را برای انتخاب نسخه ها و عکسبرداری از آنها به ما اهدا کرد، که شماره شش و هشت منشورات مؤسسه مذکور به شمار می رفت؛ اما چون مجموع نسخه های خطی این مؤسسه - که کایتانی Caetmi به همین مؤسسه لینچی اهدا و وقف کرد - دارای سه مجلد فهرست می باشد، و مجلد اول که مقدمه آن بوده و به صورت مکرر وجود نداشت تا آن را به ما اهدا کنند، لذا سفارش دادیم نسخه ای از آن عکس بردارند و در اختیار ما قرار دهند.

مجلد اول این فهرست که باید آن را به عنوان مقدمه بر فهرست نسخه های خطی برشمرد و در حقیقت به مطالعات و بررسیهای علوم اسلامی مربوط است، به وسیله جوزف گابریلی Giuseppe Gabrreli تدوین شده است.

مجلد دوم اختصاصاً فهرست نسخه های خطی عربی مخطوطات کایتانی است که آن را راناتو تراینی (Renato Traini) تنظیم نموده و به گونه ای جالب و با رعایت دقت و صحت - همراه فهرست الفبایی نام کتابهای خطی با همان عناوین و خط عربی و نیز عناوین ارجاعی در پایان آن - تألیف شده، و حتی برای محققانی که به زبان ایتالیایی آشنایی ندارند به سهولت قابل استفاده می باشد. این مجلد، شماره ششم منشورات آکادمی لینچی را تشکیل می دهد.

مجلد سوم، که بویژه مربوط به نسخه های خطی فارسی است، به کوشش آنجلو میچل پیمونتس (Angelo Michel Piemontes) فراهم آمده که آن نیز با سلیقه ای خوش تنظیم شده و بهره گیری از آن آسان می باشد؛ لکن فاقد فهرست الفبایی به خط عربی و فارسی در پایان کتاب است.

درازی را در کتابخانه با مذاکره و تشریفات غیر ضروری از ما ربودند، و برخورد مسؤولان کتابخانه - از آن رو که ما مسافت بسیار دوری را پیمودیم، و محیط و نیز هم از نظر محل اقامت و ضروریات دیگر محیط مساعد و مناسبی نبود - برخوردی نه در خور بوده است؛ زیرا پس از پشت سر نهادن مذاکرات و تشریفات و اتلاف فرصت و پرکردن چند و چندین کاغذ به ما گفتند فقط می‌توانیم برای هر فردی دو نسخه خطی بیاوریم. سرانجام ناگزیر شدیم چهار نفر چندین کاغذ و یادداشت را پرکنیم تا مجموعاً هشت نسخه خطی عربی را برای ما بیاورند، و به ما یادآور شدند این کار نیز تا نیم ساعت حداقل به طول می‌انجامد.

کتابهای فارسی این کتابخانه فهرستی نسبتاً صحیح داشت که توسط دانشمند گرامی جناب آقای بهارلو - وفقه الله تعالی للهدایه والصواب - به فارسی برگردان شد؛ اما نسخه‌های عربی دارای فهرستی دستنوشته و نیز فهرستی چاپی بود که فهرست دستنوشته آن حتی برای آقای زیپولی هم خوانا نبوده است، و فهرست چاپی که در سده هیجدهم میلادی در دو مجلد تدوین شده بود سرشار از اغلاط و ابهامات بی حد و حصر بوده و به هیچوجه شایسته مراجعه به نظر نمی‌رسید، اگرچه مدتها این دو مجلد را به تورق و مطالعه گرفتیم، لکن چیز جالبی دستگیرمان نشد.

بیش از نیم ساعت مقرر گذشت و هشت مجلد کتاب را به عنوان نسخه‌های خطی عربی برای ما آوردند، لکن از این هشت نسخه - به اصطلاح عربی - یکی از آنها دیوان شوکت بخارائی به زبان فارسی، و دیگری نسخه‌ای به زبان ترکی بود. به استثنای نسخه ترکی، برای هفت نسخه دیگر، فهرستی، توأم با مشخصات کتابشناختی و نسخه‌شناختی، در همان کتابخانه نگاشتم. می‌خواستیم نسخه‌های دیگری را برای نگارش فهرست آنها مطالعه کنیم، اما می‌دیدیم باید لحظاتی را با تشریفات کاغذ بازی و ساعاتی را برای آوردن نسخه‌ها بگذرانیم، لذا از این کار خودداری نموده و با اهدای چند مجلد کتاب از تألیفات خود عازم مراجعت از آن شدیم که در این اثنا رئیس محترم کتابخانه، آقای Dott Gian albien ravalli nidani که مردی بزرگوار و گشاده‌رو و صمیمی و بسیار با محبت بود، با ما دیدار کردند. برادر عزیز ما، آقای دکتر صدیق زاده، ما را به ایشان معرفی کردند، و رئیس کتابخانه با احترام و برخوردی دلگرم کننده و محبت آمیز به ما خوشامد گفت و از کارکنان کتابخانه نیز بازخواست کرد که چرا فرصت ما را با تشریفات تلف کردند. سپس یادآور شدند در صورتی که

تا عکس آنها تهیه شود، لکن به علت نیمه تعطیل بودن کتابخانه، عکاسی که از کتابها میکروفیلم تهیه می‌کرد در مرخصی تعطیلی بسر می‌برد و ما این شماره‌ها و مشخصات را در اختیار رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم قرار دادیم تا میکروفیلم این نسخه‌ها را پس از انقضای تعطیلات فراهم نموده و آنها را به سازمان مدارك فرهنگی ارسال دارد، که چندی بعد آن را ارسال داشتند و هم اکنون این میکروفیلمها در سازمان مذکور موجود است.

بازدید از این مؤسسه بر روی هم برای ما بسیار مغتنم بوده و بخصوص بار دوم، یعنی پنجشنبه پنجم مرداد ۱۳۶۸، که دیداری از آن داشتیم، اطلاعات فراوانی از مخطوطات آن در سایه کوشش و فعالیت مستمر مسؤول آن که زنی سالمند بود به دست آوردیم که شرح و گزارش آنها موجب اطاله‌ای ممل می‌گردد. سزااست به خاطر اهتمام شدیدی که این شخص در جهت دستیابی ما به نسخه‌های خطی مبذول داشته است، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران از وی کتباً تقدیر و تشکری به عمل آورد. اگرچه اینجانب در رم مراتب تشکر خود را کتباً اظهار کرده و بنا بر ارسال آن به مؤسسه یاد شده و تقدیر از نامبرده بوده است. مشخصات این فرد را می‌توان از طریق رایزنی جمهوری اسلامی ایران در رم به دست آورد. هنگام مراجعت از مؤسسه یاد شده چند مجلد از تألیفات خود را به کتابخانه آن اهدا کردم.

۳- کتابخانه مارچانادر ونی، Biblioteca Marciana de Venezia

چهارشنبه، چهارم مرداد ۱۳۶۸

در این روز متجاوز از پانصد و اندی کیلومتر راه را از رم تا ونیز پشت سر نهادیم، و ساعاتی پس از ورود ما بارانی سیل آسا آمد و ناگزیر در مسافرخانه‌ای در یکی از شهرک‌های مجاور ونیز بسر بردیم. طبق قراری که آقای انوشه با آقای زیپولی، استاد زبان فارسی دانشگاه ونیز، در میان گذاشت، بنا شد رأس ساعت نه بامداد در میدان سن مارکو، کنار کتابخانه مارچانا، همدیگر را ببینیم. رأس ساعت، آقای زیپولی در کنار کتابخانه حضور به هم رساندند و با هم وارد کتابخانه شدیم. با اینکه ریکاردو زیپولی ما را در کتابخانه همراهی و معرفی می‌کرد و هدف آمدن ما را به این کتابخانه متذکر شدند، لحظات دور و

نداشتن فهرست صحیح و دقیق، محققان در بی اطلاعی از آن بسر می‌برند. این مطلب از نقایص مهم این کتابخانه محسوب می‌شود؛ چرا که نسخه‌های خطی هر کتابخانه پشتوانه و سرمایه ارزش آنها به شمار است که کم و کیف آنها در ارتباط با نسخه‌های عربی کتابخانه مزبور چندان معلوم نیست.

هرچند رئیس کتابخانه از اینجانب دعوت کرد برای تهیه فهرست نسخه‌های خطی عربی آن مدتی در ونیز اقامت کنم و وعده داد که وسائل رفاهی و مقرری برای بنده پیش‌بینی کند، لکن به علت تراکم کارها در کشور عزیزمان از ایشان پوزش خواستم، و یادآور شدم اگر فرصتی فراهم آمد به این مهم روی آورم.

۴- کتابخانه ملی ناپل Biblioteca Nazionale de Napole

جمعه، ششم مرداد ۱۳۶۸

در این روز به عزم دیدار نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ناپل از رم به سوی ناپل به راه افتادیم. گرمای شدید و هوای شرجی شهر ناپل بسیار آزاردهنده بود و ما هم به علت عدم آشنایی، اتومبیل را در محلی پارک کردیم که ناگزیر شدید راه بسیار دور و درازی را در هوای خفقان‌آور تا کتابخانه مذکور پیاده طی کنیم و بالاخره با رنج فراوانی به کتابخانه رسیدیم.

این کتابخانه، که کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و شکوهمند به نظر، می‌رسید، بسان سایر کتابخانه‌های ایتالیاست که گویا بهترین و مجلل‌ترین ساختمانها را برای کتابخانه‌گزین می‌کردند. قبلاً اطلاع داشتیم این کتابخانه از پیش به عنوان کتابخانه سلطنتی بوربونیه ناپ (Regiae Bibliotheca Borbanicae) معروف بوده و فهرست این کتابخانه را فردی به نام ماریوس لیپتری (Maurius Leptieri) تدوین کرده و کتابخانه ملی فعلی را قبلاً به همین نام و عنوان می‌شناختند؛ ولی هم‌اکنون به نام کتابخانه ملی ناپل (Bibliotheca Nazionale Napole) شهرت دارد. با یادداشت‌هایی که از ایران با خود آورده و در اختیار داشتیم از مدیر کتابخانه، که مردی بسیار مهربان بود، نخست فهرست نسخه‌های خطی را خواستیم. ایشان فهرستی دستنوشته برای ما آوردند که با خطوط بسیار ریز تحریر شده و برای ما قابل استفاده نبود. یادآور شدیم نسخه‌های خطی این کتابخانه دارای فهرست چاپی است. رئیس محترم کتابخانه با فعالیت زیادی به جستجو پرداختند و سرانجام فهرست چاپی این کتابخانه را در اختیار ما قرار دادند که به عنوان فهرست نسخه‌های خطی عربی کتابخانه ملی ناپل (Cataloga dei codici arabici dell Bibliotheca

ما فرصت داشته باشیم تسهیلاتی برای دستیابی به نسخه‌های خطی فراهم می‌آورد تا وقفه‌ای در کار ما ایجاد نشود؛ لکن ماندن در ونیز برای ما از نظر مسکن و غذا و سایر مایحتاج دشوار بود؛ لذا از نامبرده تشکر نموده و بازدید از نسخه‌های خطی عربی فهرست نشده را به سفری دیگر حواله داده و کتابخانه را ترک گفتیم.

چند نکته راجع به نسخه‌های خطی کتابخانه مارچانا در خور ذکر است:

۱- ما پس از بررسی به این نتیجه رسیدیم که فهرست نسخه‌های فارسی این کتابخانه نباید کامل باشد؛ زیرا همانطور که یاد کردیم هشت مجلد کتابی که به عنوان نسخه‌های خطی عربی برای ما آوردند یک نسخه آن دیوان شوکت بخارایی بود که در فهرست نسخه‌های فارسی از نظر نسخه‌شناسی سخت گرفتار کمبود می‌باشد. حتی نسخه‌ای که آشکارا از نظر نوع کاغذ پیداست که مربوط به سده دوازدهم هجری می‌باشد، و نیز شمار سطور و همچنین از مشخصات دیگر آن چیزی ذکر نشده است؛ مشخصاتی که در یادداشت خود پس از رؤیت این نسخه نگاشتم. محتملاً شماری از مخطوطات فارسی این کتابخانه هنوز زیر پوشش فهرست نگاری قرار نگرفته است.

۲- از این هشت نسخه مذکور که ما با مراجعه به فهرست سرشار از اغلاط، آنها را انتخاب کرده‌ایم، دو نسخه نسبتاً نفیس در میان آنها دیده می‌شد: یکی مجموعه رسائل طیبی محمد بن زکریای رازی، به ضمیمه رساله تدبیر الأطفال ابن جرار، بود که همگی آنها به خط نسخ بسیار خوش در سده دهم هجری تحریر شده و رساله نخست آن به خط نسخ محمود بن ابی بکر بن ابی القاسم محمد عمار دادالسوی (؟) در بیست و پنجم ذی القعدة سال ۹۹۹ق بوده است. بقیه رساله‌ها نیز به همین خط و مقارب همین تاریخ تحریر شده است.

- دیگری کتاب القانون ابن سینا (از مقاله اولی تا پایان فن پنجم کتاب چهارم) می‌باشد که نسخه‌ای کهن با کاغذ سمرقندی در ۲۹۲ برگ. این نسخه به خط نسخ خوانا در بامداد روز جمعه اواخر جمادی‌الثانیه سال ۵۵۴ تحریر شده که ارزش آن بر نسخه‌شناسان مخفی نیست.

احتمالاً نسخه‌های کمیاب و یا منحصر به فرد در میان نسخه‌های خطی عربی کتابخانه مارچانا وجود دارد که به علت

میان نهادیم. ایشان نیز فهرست نسخه‌های خطی را بزرگوارانه در دسترس ما قرار دادند. این فهرست که چاپ آن به زمان بسیار دوردستی بازمی‌گردد در قطع بسیار بزرگ و به گونه‌ای حجیم به طبع رسیده بود که تهیه عکس از آن، هم دشوار و هم پرهزینه می‌نمود؛ لذا آن را به مطالعه گرفته و نسخه‌هایی از آن را با ارائه شماره راهنمای کتاب مطالبه کردیم، و در مدتی نسبتاً کوتاه نسخه‌های مورد نظر در دسترس ما قرار گرفت. ضمن مطالعه و بررسی نسخه‌های مذکور، مسؤول کتابخانه در صدد برآمد خدمات فزونتری را نسبت به ما مبذول دارد؛ لذا با طی مسافت طولی فهرست جامع نسخه‌های خطی فارسی کشور ایتالیا را با تحمل زحماتی برای ما آورد که ما قبلاً در رم آن را مطالعه کرده بودیم، و بدون اینکه این مطلب را اظهار کنیم از توجه و اهتمام او سپاسگزاری کردیم و پس از تورقی چند، سرگرم تهیه یادداشت از نسخه‌های خطی شدیم. مسؤول بزرگوار کتابخانه هر چند تلاش فراوانی را مبذول داشت تا بهره‌هایی کافی نصیبمان گردد. ما چهار نسخه عربی این کتابخانه را فهرست کردیم و نوبت به نسخه پنجم رسید که مسؤول کتابخانه از ما خواست مشخصات چند کتاب خطی فارسی را - که تازگی برای آنها رسیده بود - یادداشت نماییم، نسخه اول را آوردند دیدیم نسخه‌ای بسیار زیبا و آراسته و به خط خوش نستعلیق و حاوی بوستان و گلستان سعدی در متن و هامش بود. مشخصات کتابشناختی و نسخه‌شناختی آن را برای کتابخانه یادداشت کردیم و سرگرم فهرست برداری از نسخه پنجم شدیم که حدود چهار ساعت توقف و مطالعه ما در این کتابخانه گذشت، و کارکنان کتابخانه تعطیلی آن را به ما اعلام کردند؛ آن هم در حالی که ساعت حدود دو بعد از ظهر بود. قبلاً تصورم بر این بود که کتابخانه مذکور تا ساعت هفت عصر باز است، لکن چون تعطیل شدن آن را اعلام کردند بسیار متأسف شدیم و با اینکه اطلاعاتی را راجع به مخطوطات آن به هم رساندیم چندان از این کوتاهی مدت راضی نبودیم و با تأسف ناگزیر پس از اهدا چند کتاب از تألیفات خود به کتابخانه مذکور آن را ترک کردیم. از مجموع شش کتابخانه فلورانس که دارای نسخه‌های خطی می‌باشند توانستیم فقط کتابخانه لورنزiana و برخی از مخطوطات آن را دیدار کرده باشیم.

۶- کتابخانه واتیکان Biblioteca Vaticana

چهارشنبه، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸

از روز نخست ورود به رم مسأله بررسی نسخه‌های خطی کتابخانه واتیکان را با وابسته فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در

(Nazionale de Napole) به وسیله لویبونازیا (Lopo Buonazyia) تحریر شده بود. پس از مطالعه این فهرست و تهیه یادداشت لازم از آن، خاطر نشان شدیم شما فهرست چاپی دیگری برای نسخه‌های خطی عربی راجع به کتابهای دستور زبان عربی (نحو) و فلسفه دارید که به عنوان فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه سلطنتی بوربونیه تدوین شده است. ایشان اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند؛ اما قاطعیت ما بر وجود این فهرست، این مرد محترم را به تلاش و جستجو و دوندگی زیاد به سوی زوایای کتابخانه واداشت. بالاخره فهرست مورد نظر را پیدا کرد و برای ما آورد، و از اینکه این همه به زحمت افتاده بود از او پوزش خواسته و تشکر کردیم. این فهرست را به مطالعه گرفتیم و ظاهر آبه علت نیمه تعطیل بودن کتابخانه دسترسی به مخزن نسخه‌های خطی میسر نبود، به همین جهت برای اینکه در فرصتی مناسب مطالعه دقیقی درباره این فهرستها داشته باشیم خواستیم دو جلد فهرست یادشده را در صورتی که نسخه‌های مکرری از آنها را دارند به ما بدهند، لکن احتمالاً نسخه‌های قابل اهدا یا فروش از این فهرستها را در اختیار نداشتند؛ لذا دو نسخه از این دو جلد فهرست را عکس برداری کرده و رایگان و بدون دریافت وجه به ما دادند. ما نیز در برابر، چند مجلد کتاب فارسی را - که از تألیفات نگارنده بود - به این کتابخانه اهدا کردیم و با تشکر فراوان از رئیس کتابخانه به خاطر اطلاعاتی - که به مدد ایشان درباره نسخه‌های خطی آن به هم رساندیم - کتابخانه مذکور را ترک کردیم.

۵- کتابخانه مدیچیا لورنزiana پلاتینا در «فلورانس» Biblioteca Mediceae Laurentianae et Palatinae Florentinae

سه شنبه، ۹ مرداد ۱۳۶۸

به همت جناب آقای صبری انوشه و مذاکره قبلی ایشان با کتابخانه یاد شده و معرفی نامه این برادر بسیار کوشا و دلسوز نسبت به کارهای فرهنگی، قرار گذاشتیم ساعت شش باامداد روز سه شنبه ۹ مرداد برای بازدید نسخه‌های خطی کتابخانه مذکور با اتومبیل به فلورانس حرکت کنیم؛ لکن اندکی تأخیر در سفر ما روی داد، و سرانجام دقایقی پیش از ساعت ده باامداد به کتابخانه یادشده رسیدیم، و موضوع را با مسؤول کتابخانه در

قسمتهای مختلف کتابخانه برای ما گزارش می نمود، این اطلاعات به دست آمد که:

- کتابخانه واتیکان دارای شماری فراتر از دو میلیون کتاب است که در سال ۱۴۵۱ میلادی به عنوان یک کتابخانه علوم انسانی کار خود را آغاز کرد.

- آقای لئوناردو اظهار داشتند نسخه های خطی فارسی و عربی و ترکی این کتابخانه به یک هزار و پانصد عدد می رسد؛ لکن یادآور شدیم باید نسخه های خطی یاد شده بیش از این تعداد باشد؛ او نیز با تردید و احتمال گفتار ما را بدین گونه تأیید کرد که یکی از کارشناسان به نام راسی شمار این نسخه ها را تا پنج هزار خاطر نشان ساخته است. این اظهار نظرهای مشوش و تردیدآمیز درباره شمار نسخه های خطی از آن روست که مخطوطات مذکور سر و سامانی ندارد و در یکجا فراهم نیامده، بلکه در لابلای کتب دیگر به گونه ای پراکنده ممکن است راه یافته باشد؛ حتی به نظر اینجانب نسخه های خطی یاد شده در کتابخانه واتیکان از پنج هزار عدد تجاوز می کند که باید آنها را در یکجا گرد آورده و فهرستی دقیقتر از فهرستهای موجود آنها نگاشت.

- طبق اظهارات آقای لئوناردو بویل قدمت نسخه های خطی به طور مطلق و به زبانهای مختلف در این کتابخانه به دو قرن قبل از میلاد بازمی گردد؛ یعنی می توان گفت کهن ترین نسخه این کتابخانه - که قهراً به زبان عربی و فارسی و ترکی نیست - مربوط به دو قرن قبل از میلاد مسیح (ع) می باشد. نسخه های کهن و گرانبهایی در این کتابخانه وجود دارد که برای پاره ای از آنها نمی توان همتایی در کتابخانه های دیگر دنیا یافت.

- همه کتابها دارای پنج کد، مربوط به نام کتاب و مؤلف و موضوع و جز آنها می باشد، و بر روی هم تمام کتابها به یکصد و پنجاه مجموعه رده بندی شده است.

- در سال ۱۹۷۶ میلادی، این کتابخانه حدود یکصد و ده هزار کتاب خریداری کرده، و بالاخره شیوه خاصی در تهیه فیش و تنظیم کتابهای کتابخانه مزبور به کار رفته است که طبق اظهارات آقای لئوناردو، تلفیقی است از روش دیوئی و کنگره.

- قدیم ترین کتاب انجیل در این کتابخانه مربوط به قرن پنجم میلادی است.

- در این کتابخانه مکاتبات پایها از سال ۱۷۸۸ میلادی به این سو گردآوری شد که خود از وثائق و اسناد مهم تاریخی به شمار است.

- گویند در این کتابخانه یک هزار و دو یست و هشتاد کتاب تعزیه حضرت ابی عبدالله الحسین (ع) وجود دارد.

ایتالیا، جناب آقای صبری انوشه، در میان گذاشتیم؛ لذا یکی از روزها برای تمهید مقدمات ورود به کتابخانه واتیکان، با سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران در واتیکان، یعنی آقای غفاری، دیداری داشتیم.

ایشان به ما گفتند کتابخانه ها در این ایام تعطیل است، لکن آقای انوشه از پای ننشست و همواره می کوشید با اسقف، یعنی رئیس کتابخانه واتیکان، برای ورود ما به کتابخانه مذکور تماس برقرار کرده تا ما بتوانیم در مورد نسخه های خطی آن مطالعاتی انجام داده باشیم. به همت جناب آقای صبری انوشه از کتابخانه های متعددی دیدار کردیم و در آخرین روزها نیز به تلاش و فعالیتهای پیگیر نامبرده امیدوار بودیم. آقای انوشه با وجود اینکه مردی سلیم النفس و صمیمی و بی آرایش می باشد، در عین حال فردی کارآمد و کاربر و سریع التدبیر است و توانست مقدمات ورود به هر کتابخانه ای را که مورد نظر ما بود، با کیفیتی مطلوب و فوق انتظار فراهم نماید. لذا دیدیم فقط از طریق کوششهای بی دریغ ایشان می توان به کتابخانه واتیکان راه یافت، و راجع به نسخه های خطی آن اطلاعاتی به هم رساند. جناب آقای انوشه با تلاش پیگیر خود سرانجام توانست از سوی سفارت جمهوری اسلامی ایران در ایتالیا این هدف را برآورده سازد. لذا روز چهارشنبه در معیت چند نفر بر کتابخانه واتیکان درآمدم، کتابخانه ای که از نظر داشتن نسخه های خطی غنی ترین کتابخانه ها در سرزمین ایتالیا به شمار است. اگر چه با مسامحه می توان این کتابخانه را مستقل از کتابخانه های ایتالیا تلقی کرد.

پدر لئونارد و بویل، مدیر کتابخانه - که دارای سمت مذهبی و روحانی و اصلاً از مردم ایرلند بود - به استقبال ما آمد. وی به چند زبان کهن و زنده دنیا آشنایی داشت. قبل از اینکه درباره مخطوطات فارسی و عربی و ترکی این کتابخانه با ایشان به گفتگو پردازیم از ما دعوت کرد از قسمتهای مختلف این کتابخانه دیدار کنیم و مآلاً بخش عمده ای از فرصت ما در همین بازدید مصروف گشت که نیاز و هدف اصلی ما را تشکیل نمی داد؛ بلکه هدف ما اطلاع دقیق و صحیح بر نسخه های خطی، و کسب معلوماتی فراتر از محتوای فهرستهای بود که برای مخطوطات این کتابخانه نوشته بودند.

ضمن توضیحاتی که آقای لئوناردو بویل در حین بازدید

نسخه های خطی هر کتابخانه - که در ایتالیا ظاهرآ به دهها کتابخانه می رسد - حداقل ده تا پانزده روز فرصت و وقت لازم است .

در روزهای آخر اقامت ما در ایتالیا خانم بیانکارا ماریا اسکارچیا آمورتی ، اسلام شناس معروف که همسرش نیز از محققان اسلام شناس می باشد ، توسط مترجم رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رم جلد دوم فهرست کتابخانه میلان را - که درباره نسخه های خطی عربی است - برای اینجانب فرستاده و آن را اهدا کرد . ضمناً آقای لئوناردو نیز راهنمای کتابخانه واتیکان و فهرست نسخه های خطی مذهبی این کتابخانه را به اینجانب اهدا نمود که همه آنها کتابهایی نفیس و گرانبها هستند .

باری ما با اطلاعات گسترده ای که در ایران - قبل از مسافرت به ایتالیا - راجع به کتابخانه ها و نسخه های خطی نفیس و فهرستهای مخطوطات آن - با استفاده از منابع مختلف - کسب کرده بودیم و نیز از برکات اهتمام و کوششهای بی دریغ و مستمر آقای صبری انوشه توانستیم با دستی پر و معلوماتی گسترده و بسیار مفید درباره نسخه های خطی کتابخانه های ایتالیا در شب جمعه سیزدهم مرداد ۱۳۶۸ به ایران بازگردیم . بدون هیچگونه اغراق می توانم خاطر نشان سازم که تا این سال ، یعنی ۱۳۶۸ ، هیچ سفری به خارج نداشتم که از نظر کسب اطلاعات علمی بتواند با این سفر کوتاه مدت ، برابری کند . یقیناً تمهیدات و مآل اندیشیهای جناب آقای علیمحمدی برای ایجاد تسهیلات لازم در ایتالیا - که آثار این تمهیدات را از سوی رایزنی جمهوری اسلامی ایران در رم باز یافتیم - و همچنین تدارکهای سنجیده و کوششهای بی دریغ جناب آقای ناصری طاهری ، معاون محترم سازمان مدارک ، و نیز فعالیتهای مستمر و خستگی ناپذیر برادرمان جناب آقای صبری انوشه و کارکنان رایزنی جمهوری اسلامی ایران نقش عمده ای را در نیل به اهداف علمی ما به عهده داشت . در خانمه با دعا برای سلامت و طول عمر و توفیق برای رهبر فرزانه و دانا و گرانقدر جمهوری اسلامی ایران ، فقیه عالی مقام حضرت آیت الله العظمی خامنه ای - متع الله المسلمین بطول بقائه الشریف - و سربلندی و پیشرفت همه جانبه ملت جمهوری اسلامی ایران و توفیق دولتمردان عزیز میهن ما در تحقق بخشیدن به اهداف بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، و نیز دعا برای توفیق مقام معظم رهبری در پیشبرد منویات امام بزرگوار - رضوان الله تعالی علیه - مقاتلم را به پایان می برم .

پس از آنکه قسمتهایی از کتابخانه واتیکان را دیدیم ، در یکی از اتاقهای پذیرایی کتابخانه کنار هم نشستیم و در آنجا نیز قسمتی از فرصت ما در مذاکراتی صرف شد که دلخواه ما نبود . متوجه شدیم فرصت بازدید کتابخانه رو به پایان است و ما درباره نسخه های خطی آن طرفی نیستیم . ناگزیر جسارت ورزیدم و راجع به نسخه های خطی این کتابخانه و فهرستهای آن - به اصطلاح - سر صحبت را باز کردم . آقای لئوناردو یک مجلد از فهرست نسخه های خطی کتابخانه را برای ما آورد ، ناچار یادآور شدیم اگر ممکن است تمام مجلدات فهرست نسخه های خطی کتابخانه را بیاورند و در صورت مکرر بودن ، آنها را برای استفاده در اختیارمان قرار دهند . به آقای لئوناردو یادآور شدم حدود هفتاد و پنج برگ از قرآنها - که به خط کوفی و کهن بر روی پوست نگارش شده - در این کتابخانه وجود دارد که آقای جرجیولوی دیلاویدا آنها را فهرست کرده ، و عکس بیست و یک برگ آن در همان فهرست آمده که همگی آنها به خط کوفی کهن می باشد . دیدیم ظاهرآ نسبت به این فهرست بی اطلاع بوده ، ولی به دنبال آن رفت و نسخه خوبی از این فهرست را آورد . ما از او خواستیم نسخه ای از این فهرست را در صورت مکرر بودن در اختیار ما قرار دهد . او نسخه ای را آورد که افسس نسخه اصل فهرست بود ، که مانند نسخه اصل ، عکس و تصویر اوراق قرآنی آن چندان مرغوب نیست . آنگاه خاطر نشان ساختم در کتابخانه شما انجیلی به عربی ، مکتوب در قرن دوم هجری وجود دارد ، و چنانچه ممکن باشد می خواهیم میکروفیلمی از آن تهیه شود ، آقای لئوناردو در این باره اظهار بی اطلاعی می کرد ، و ظاهرآ از وجود چنین انجیلی - که قطعاً در آن کتابخانه موجود بود - در بی خبری بسر می برد ، یا نمی خواست بدان دسترسی پیدا کنیم . فرصت ما پایان یافته بود ؛ ولی متأسفانه نتوانستیم به عللی از این فرصت در جهت هدفمان بهره وافی به دست بیاوریم .

در اینجا باید یادآور شویم تعداد کتابخانه هایی که در ایتالیا دارای نسخه های خطی اسلامی می باشند از این شمار فزونتر است . شاید بتوان گفت در این مدت کوتاه ما موریت نتوانستیم حدود یک پنجم کتابخانه هایی این چنین را دیدار کرده باشیم . تنها در فلورانس شش کتابخانه وجود دارد که در آنها نسخه های خطی اسلامی جای دارد ، و فقط ما توانستیم یک کتابخانه و چند نسخه خطی آن را ببینیم . و حتی می توان گفت برای بررسی